



جستجو در منی

مرتب سازی بر اساس

جستجو در درختواره

<span></span>
خارج فقه
<span></span>
خارج اصول
<span></span>
اخلاق
<span></span>
تفسیر
<span></span>
عقاید

### 70 ـ مسئله 25(لو اعتقد أنّه غير مستطيع فحج ندباً) ـ 23/11/85

**مسألة 25: لو اعتقد أنّه غير مستطيع** (شخص مستطيع بوده ولی به اعتقاد این که غیر مستطيع است حجّ ندبی به جای آورده که برای آن چهار صورت متصور است) **حجّ ندباً فلان أمکن فيه الاشتباه في التطبيق صحّ و أجزأ عن حجّة الاسلام** (صورت اول) **لکن حصوله** (قصد امر واقعی) **مع العلم و الانتفاء بالحکم و الموضوع** (امام به عنوان شبهه مصداقی می فرماید: آیا انسانی که معتقد است غیر مستطيع است خطای در تطبیق در مورد او متصور است؟

یعنی می داند مستطيع است و می داند که مستطيع باید حجّة الاسلام انجام دهد، این شخص چگونه قصد حجّ ندبی می کند؟ پس این مصداق خارجی ندارد بنابراین اشکال امام در حکم نیست بلکه در موضوع است) **مشکل** (ما معتقدیم وقتی علم به موضوع و حکم دارد، قصد حجّ ندبی محال است ولی خطای در تطبیق در جایی است که یکی از این دو را بداند یعنی علم دارد مستطيع است ولی حکم مستطيع را نمی داند ولی مستطيع بودن خویش را نمی داند) و **إن قصد الأمر الندبي علی قصد التقييد** (حج مستجبی به قید ندبی انجام می دهد یعنی خطای در تطبیق نیست بلکه قصد ندبی دارد) **ثم یجز عنه** (حجّة الاسلام) **و في صحتہ حجّۀ تأمّل** (صورت دوم) **و کذا لو علم باستطاعة ثم غفل عنها** (صورت سوم که می دانسته مستطيع است ولی فراموش کرد در اینجا نیز دو صورت دارد، گاه خطای در تطبیق است و به قصد امر واقعی الهی انجام می دهد و خیال می کرده دلب است ولی گاهی مقید به ندب می کند) **و لو تخيّل عدم فوریتہ فقصد الندب لایجزی و في صحتہ تأمّل** (صورت چهارم، می داند مستطيع است و می داند حجّة الاسلام بر او واجب است ولی فوری بودن آن را نمی داند و امسال به قصد استجابی حج به جا می آورد و سال آینده حج واجب را؛ اینجا نیز دو حالت دارد اگر قصد امر واقعی الهی کرده و از باب خطای در تطبیق ندب را گفته این حج صحیح است ولی اگر از باب تقييد، مقید به ندب کرده مجزی از حجّة الاسلام نیست و در این که آیا حجّ ندبی است یا نه، محلّ کلام است).

**عنوان مسئله:**

این یک مسئله فرعی است ولی اشباه و نظایر آن در فقه فراوان است و ظاهراً این مسئله را فقط مرحوم سیّد در عروه در مسئله 26 مطرح کرده اند.

شخصی مستطيع بوده ولی نمی دانسته مستطيع است و حجّ ندبی به جای آورده که در مجموع مسئله دارای چهار صورت و به عبارت دیگر دارای شش صورت است، چون صورت سوم و چهارم نیز هر یک دو صورت است.

**صورت اول: خطای در تطبیق**

خطای در تطبیق به این است که قصد امر واقعی الهی کرده ولی در مقام تطبیق اشتبهاً بر چیز دیگری منطبق می کند، به عنوان مثال خیال می کند حجّ ندبی به گردش است و آن را نیت کرده و بعد معلوم شد که حجّة الاسلام به گردش می باشد. مثال واضح خطای در تطبیق این است که چند نفر امام در یک مسجد نماز می خوانند و من همه آنها را می شناسم و در نیت قصد می کنم که نماز می خوانم یا امام حاضر به گمان این که زید است ولی بعد معلوم شد که عمرو است که این خطای در تطبیق است و اشکالی ندارد و خطا در نیت نیست .

در ما نحن فیه هم می گوید حتیّ که خدا برایش واجب کرده انجام می دهد ولی خیال می کند که تکلیفش حجّ ندبی است در حالی که وظیفه اش حجّة الاسلام بوده و نمی دانسته و نیتش امر واقعی است.

علی القاعده اگر خطای در تطبیق باشد حتّش صحیح است چون هم مستطيع است و هم حج به جای آورده و هم قصد امر واقعی الهی کرده است. مع ذلک علیمان شریفان مرحوم آقای حکیم و آقای خوینی هر کدام یک اشکال به این مسئله دارند که به نظر ما هیچ یک از دو اشکال وارد نیست.

**اشکال آقای حکیم:**

مشکل فقط مشکل قصد امر نیست که با خطای در تطبیق حل شود بلکه دو مشکل است، یکی قصد امر (وجوب و ندب) و دیگری قصد مأمور به (حجّة الاسلام و غیر حجّة الاسلام) است، پس مأمور به عنوانی جداگانه دارد به عنوان مثال فریضه و نافله دو تفاوت دارد:

1ـ امر یکی وجوبی و دیگری استجابی است.

2ـ ماهیّت فریضه و نافله متفاوت است، بنابراین فقط استحباب و وجوب نیست که این دو را از هم جدا می کند بلکه ماهیّت آنها نیز متفاوت است؛ در ما نحن فیه هم دو مشکل وجود دارد: یکی قصد وجوب و ندب و دیگری تفاوت در عنوان حجّة الاسلام و حجّ ندبی است و شما با خطای در تطبیق قصد امر وجوبی را درست کردید ولی این شخص ماهیّت حجة الاسلام را قصد نکرد، پس حتّش باز مشکل دارد، به عبارت دیگر در تطبیق برای جایی است که دو امر وجوبی و استجابی باشد ولی اگر ماهیّت واجب و مستحب دو تا بود خطای در تطبیق کارایی ندارد.

**جواب: اولاً:** ما معتقدیم که حجّة الاسلام و حجّ ندبی دارای یک ماهیّت است و اگر شخص مستطيع بود و حج به جای آورد حجّة الاسلام است و اگر مستطيع نبود، حجّ ندبی است و حج همین ارکان مخصوصه است و حجّة الاسلام ماهیّت مستقلّ نیست، بله نافله و نماز صبح عناوین قصدیه هستند و ماهیّت متفاوت دارند ولی حجّة الاسلام با حج ندبی تفاوت در ماهیّت ندارد و یک عنوان بیشتر نیست و حتّی اگرشک کنیم که یک عنوان خاصّ است اصل عدم آن است.

**ثانیاً:** شخصی که نیت می کند امر خدا را به جای آورد، امر و مأمور به واقعی را نیت می کند یعنی می گوید خدا یا آنچه را که از من خواسته ای به جای می آورم که هم وجوب و هم حجّة الاسلام در آن است.

بنابراین ما معتقدیم خطای در تطبیق مشکلی ایجاد نمی کند و حتّش حجّة الاسلام و صحیح است.

**اشکال آقای خوینی:**

ایشان معتقدند که اصلا در اینجا خطای در تطبیق نیست و خطای در تطبیق و تقييد برای جایی است که مفهوم وسیعی باشد که قابل تطبیق بر مصادیق مختلف است ولی اگر یک مصداق واقعی بیشتر نباشد مثل ما نحن فیه که مصداق واقعی حجة الاسلام واجب است (جزئی حقیقی) و یک طبیعت وسیع قابل تطبیق بر این و آن نیست پس خطای در تطبیق نبوده و این برای جایی است که دو مصداق باشد.

**جواب:** درست است که خطای در تطبیق معنای وسیع دارای مصادیق می خواهد ولیکن در عامّ تصوّر نه در خارج ولی در خارج یک مصداق است، به عنوان مثال در خارج امام حاضر یکی است ولی در عامّ تصوّر خیال می کند که زید یا عمرو یا بکر است.

علاوه بر این اگر ایشان در خطای در تطبیق اشکال کنند، باید در همه جا اشکال کنند چون در مثال معروف خطای در تطبیق که همان امام جعاعت است، امام حاضر یک جزئی حقیقی است که در ذهن متعدّد است و در ما نحن فیه هم در ذهن تعدد هست، یک حجّة الاسلام و یک حج ندبی؛ بنابراین در همه جا در خطای تطبیق مصداق خارجی جزئی حقیقی است و متعدّد و کلیّ در ذهن است.

**فتلخص من جميع ما ذكرنا:** حج در صورت اوّل صحیح و حجّة الاسلام است.

#### پی نوشت:

تاریخ انتشار: « 1279/01/01 »

#### مطالب مرتبط

128 م 46(توقف تخلية السرب علی قتال العدو) ـ 16/03/86

127 ـ ادامه مسأله 45 ـ 13/03/86

126 ـ ادامه مسأله 45 ـ 12/03/86

125 م 45 (ترك الحج مع وجود الشرايط و اتيانه مع فقد بعضها) ـ 08/03/86

124 ـ ادامه مسأله 44 ـ 07/03/86

123 ـ ادامه مسأله 44 ـ 06/03/86

\* متن

